

علیرضا پناهیان | دوره‌ای مختصر از مباحث معنوی و اخلاقی - ۲

چرا در دینداری، همیشه مجبوریم با امیال طبیعی خود مبارزه کنیم؟ (۱)

کتاب «شهر خدا؛ رمضان و رازهای روزه‌داری» اثر حجت‌الاسلام پناهیان اخیراً به چاپ هفتمن رسدید. یکی از اولین نکاتی که پس از مرور فهرست و متن کتاب «شهر خدا» متوجه می‌شود این است که این کتاب صرفاً درباره اسرار و آداب ماه رمضان نیست؛ بلکه به تناسب رازهای این ماه، به برخی پرسش‌های کلیدی جوانان پاسخ می‌دهد و عملاً «دوره‌ای مختصر از مباحث معنوی و اخلاقی» را ارائه کرده است. و البته ناشر در ابتدای کتاب به این نکته اشاره کرده است. در روزهای گذشته، بخش اول تا سوم گزینه این کتاب که مستقیماً به سوالاتی در مورد ماه رمضان پاسخ می‌داد با عنوان کلی «رازهای روزه‌داری» منتشر شد. اکنون در روزهای پایانی این ماه معنویت و عبادت، گزینه‌هایی از مباحث معنوی و اخلاقی این کتاب را طی چند شماره و با عنوان «دوره‌ای مختصر از مباحث معنوی و اخلاقی» منتشر می‌کنیم. **قسمت دوم از این مجموعه را در ادامه می‌خوانید:**

مقابله با امیال طبیعی، چه اثری در تربیت انسان دارد؟

اینجا به روش تربیتی خاصی می‌رسیم که آن‌هم برای درک تأثیر تربیتی رمضان بسیار مفید است و آن اینکه: با توجه به ساختار طبیعی وجود انسان، روزه نوعی مقابله با امیال طبیعی است و ما در جریان روزه گرفتن به یک نوع ریاضت و خودداری می‌پردازیم و با خواست خود مقابله می‌کنیم. این کار تا چه حدی در تربیت انسان مؤثر است؟

روزه، مقابله با ابتدایی‌ترین امیال و نیازها

روزه از ما می‌خواهد که با امیال طبیعی خود، همچون گرسنگی و تشنگی، مقابله کنیم. یعنی در طول روز، نخوریم و نیاشامیم. سایر احکام دینی هم بعضاً از ما می‌خواهند که با برخی از امیال طبیعی خود مقابله کنیم، اما این امر در مورد روزه تفاوتی اساسی دارد و آن اینکه در روزه باید با ابتدایی‌ترین علاوه‌ها و نیازهای خودمان مبارزه کنیم.

سایر روش‌های تهذیب نفس و جایگاه این روش

باید توجه داشته باشیم که مقابله انسان با خواسته‌های خودش یک راه و روش برای رشد و کمال است که در مقایسه با راههای دیگر از اهمیت بیشتری در تهذیب نفس و تطهیر روح برخوردار می‌باشد. اگر بخواهیم راههای دیگر غیر از مقابله با هوای نفس را برای آشنایی به عنوان نمونه ذکر کنیم باید به روش‌هایی از قبیل: ارضاء صحیح خواسته‌های انسان و جهت دهی به آنها، تمرین عملی و تعیین عادت، تغافل و گریز از موقعیت، و نمونه‌هایی از این دست اشاره کرد؛ که هر یک از جایگاه ارزشمندی در مسیر تربیت برخوردار می‌باشند.

اما گاهی هم باید ایستاد و به نفس «نه» گفت و از تأمین خواهش‌های او سر باز زد، تا رشد و تربیت‌یافتنی تحقق پیدا کند. اما چرا در مسیر دینداری به چنین روشی برای رشد نیاز داریم؟ پاسخ را با مقدمه‌ای در باب ضرورت و معنای تربیت آغاز می‌کنیم.

معنای تربیت و ضرورت آن

می‌دانیم که تربیت‌یافتنی یعنی قدرت پیدا کردن برای انعطاف داشتن و عکس العمل مناسب نشان دادن در موقعیت‌های گوناگون. اگر هر کس همان‌گونه که بوده است بماند، خوب یا بد، و «نتواند» در هر شرایطی وضع خود را متناسب با آن شرایط تغییر دهد، این فرد تربیت شده نیست؛ هرچند بسیاری از اوقات، خوب رفتار کند. «تربیت» با «تعییر» هم‌خانه است.

بسیاری از اوقات ما آدمها تنها با همان خوبی‌هایی که با آن زاده شده‌ایم زندگی می‌کنیم و تمام عمر از ارشیه صفات خوب پدری و مادری استفاده می‌کنیم. آن وقت اسم آدم‌حسابی هم روی خودمان می‌گذاریم. در حالی که آدم‌حسابی کسی است که حسابی خود را تغییر و تکامل داده باشد و در این راه حساب خود را رسیده باشد.

مقاومت‌هایی که در مسیر تربیت شکل می‌گیرد

خوبی‌های موروثی و غیر اکتسابی ما، دلیل خوبی برای خوبی ما نیست. آدم خوب یعنی آدم خودساخته و تغییریافته. به این ترتیب وقتی می‌خواهیم خود را تربیت کنیم، تغییر بدھیم و تکامل ببخشیم، و برای حضور در جامعه و زندگی با اقتضایات گوناگونی که دارد، آماده شویم، با مقاومت‌هایی در درون خود مواجه می‌شویم. مقاومت‌هایی که یا ناشی از تنوع امیال ماست و یا ناشی از تعارض خواسته‌های ما با شرایط بیرونی و موقعیت‌های ما.

از اینجا مبارزه با تمایلات و خواهش‌های نفسانی آغاز می‌شود. پس مقابله با دل‌بخواهی‌ها یک رکن اساسی برای تربیت است و چون ماه رمضان با رایج‌ترین و ابتدایی‌ترین خواسته‌های انسان در تقابل است، لذا یک ماه تربیتی است.

چرا در دینداری، همیشه مجبوریم با امیال طبیعی خود مبارزه کنیم؟

اما در اینجا خوب است به یک سؤال اساسی جواب بدھیم: چرا در مسیر دینداری همیشه مجبوریم با امیال طبیعی خود مبارزه کنیم؟ اگر این امیال و کشش‌های طبیعی ما بد هستند، چرا خدا آنها را از اول، در وجود ما قرار داده است؟

این سؤال وقتی اهمیت فوق العاده پیدا می‌کند که ما می‌پذیریم گاهی اوقات آدمها در اثر بد اخلاقی به چیزهایی علاقه‌مند می‌شوند که به ضرر دیگران است، یا حتی صریحاً آشکار است که به ضرر خودشان است، اینجا هیچ کس به انسان حق نمی‌دهد علاقه خود را پیگیری کند. و این سؤال که چرا خدا چنین علاقه‌ای را در وجود ما قرار داده است، در ذهن انسان پرنگ‌تر می‌شود.

مثلاً اگر کسی علاقه به ضرب و شتم دیگران داشت و از این کار لذت می‌برد، نه تنها همه از او می‌خواهند که با خواست خود مبارزه کند، بلکه جلوی او را می‌گیرند و نمی‌گذارند او به خواسته خودش برسد.

اما «مشکل آدمها با دین» که باعث می‌شود نتوانند با دستورات دینی کنار بیایند، این است که اکثراً تصوّر می‌کنند «دین»، آنها را از «اموری» بازداشت‌های ندارند؛ و حتی در مواردی مانند روزه، فکر می‌کنند خوردن و آشامیدن، نه تنها ضرری ندارند بلکه ضروری هم هستند.

خدا هیچ‌گاه مخالف لذت بردن ما نیست

نکته مقدماتی که در پاسخ به این سؤال باید به آن اشاره کرد، این است که خدا هیچ وقت مخالف لذت بردن بندگانش نیست و با راحت بودن و شادی بندگان خود نه تنها مخالفت ندارد، بلکه از بهره‌مندی بندگان خود از چنین مواهی خرسند هم می‌شود. هر کسی هم که دنبال لذت، راحت و شادی است نباید خدا را مانع خود ببینند. خدا حتی ابتداء هم تقسیم نمی‌کند که در این دنیا سختی بکش و در آن دنیا آسوده باش.

عارض فردی و اجتماعی این تصوّر اشتباه:

غیر از اینکه این تصوّر، تصوّر اشتباهی نسبت به خدا است، باید گفت این روحیه و احساس که خدا مانع لذت بردن ما است، باعث خراب شدن رابطه ما با خدا هم می‌شود. نباید خدا را بخیل بدانیم. اینکه فرموده‌اند خدا نزد دل‌های شکسته است^(۱) و یا خدا به محرومین عنایت دارد^(۲)، اتفاقاً به همین دلیل است که اصل بر دل شاد بودن و بهره‌مند بودن است. به همین دلیل برای آنها به صورت‌های مختلف در دنیا و آخرت جبران می‌کند.^(۳)

۱. یاد نکردن خدا در هنگام شادی

شاید به دلیل همین تصوّر غلط که فکر می‌کنیم خدا اصالاً «محرومیت» را بیشتر می‌پسندد، است که هنگام شادی خود را از خدا دور می‌دانیم و یاد خدا نمی‌کنیم. و این، ارزش به یاد خدا افتادن ما را در هنگام غم هم کم می‌کند.

۲. دلگیر شدن از خدا

خیلی از گنهکاران به همین دلیل که فکر می‌کنند خدا با لذت بردن بندگانش مخالف است، قلباً از خدا و دین او ناراحت و دلگیر هستند و به همین دلیل هم گاهی به دین‌گریزی و حتی دین‌ستیزی هم کشیده می‌شوند.

۳. پدید آمدن تصور اجتماعی نادرست از دینداران

از نظر اجتماعی هم تصوّر غلطی از دینداران برای دیگران پدید می‌آید و یکی از دلایل مهم مورد تمسخر قرار دادن دینداران هم همین است. گاهی هم چنین تصوری موجب عقب‌ماندگی‌هایی در برخی از پیشرفت‌های مادی در جامعه دینی شده است.

علاقه خدا به لذت بردن ما، هم در دنیا، هم در آخرت

در مقابل، این نگاه خیلی ارزش دارد که بدانیم خداوند متعال دوست دارد بندگانش، هم در دنیا و هم در آخرت لذت ببرند. و بیشترین اجر یک کار خوب و ارزشمند را هم برای این قرار داده است که بتوانیم دل کسی را شاد کنیم^(۴) و یا موجب راحتی و رسیدن دیگران به خواسته‌ها و دوست داشتنی‌هایشان بشویم^(۵). اصلاً بنای اولیه بر زجر کشیدن نیست. به همین دلیل است که در ماه رمضان وقتی گرسنه می‌شوی، خدا تحويلت می‌گیرد، چه تحويل گرفتی!^(۶) چون بنا نبوده تو گرسنگی بکشی. این گرسنگی خارج از قاعده است.

نتیجه بی‌خبری از چرا بی‌نفس دستور دین به مقابله با نفس

بله، در این تردیدی نیست که بالاخره در دستورات دینی، مقابله با هوای نفس فراوان دیده می‌شود؛ که چرا بی‌نفس آن را توضیح خواهیم داد. اما چون از چند و چون ماجرا بی‌خبریم، دچار دین‌گریزی و یا لااقل بد دینداری کردن می‌شویم. بد دینداری کردن یعنی خیلی هم که آدم خوبی باشیم، تسلیم خدا می‌شویم، اما مشتاق خدا نمی‌شویم، و روش و راه رسیدن به خدا را نمی‌پسندیم. مثل احساس بعضی از پشت کنکوری‌ها. الان در دیبرستان‌ها، دانش‌آموزهای پیش‌دانشگاهی باید برای قبول شدن در کنکور حسابی درس بخوانند تا بتوانند به دانشگاه بروند. بچه‌ها دانشگاه رفتن را دوست دارند، اما سختی عبور از کنکور و مقدمات آن را دوست ندارند. لابد پیش خود می‌گویند: «چاره دیگری ندارم، باشد عیبی ندارد. باید تحمل کنم» در این راه زجر می‌کشد. رفقایش به بازی می‌رونده، اما او نمی‌رود و کف نفسم می‌کند. اما گاهی غر هم می‌زنند. گاهی هم می‌گوید: «کاش کنکور نبود، بدون این‌همه سختی می‌رفتیم دانشگاه، اینقدر سختی نمی‌کشیدیم.»

اگر چنین وضعیتی در دینداری پیش بیاید و کسی توان با غرولند کردن عبادت کند، معلوم است که بهره چندانی نخواهد برد و جزء آدمهای حداقلی خواهد بود. شاید هم بُرد و اساساً عطای دین را به لقایش ببخشد و برود.

خیلی از اوقات، توفیقاتی که از ما سلب می‌شود و یا شامل ما نمی‌شود، به خاطر همین حرف‌های ته دلی تلخی است که می‌زنیم و به آن اهمیتی نمی‌دهیم. خدا ته دل ما را هم می‌بیند. یک مدتی که این جور حرف‌های بد از ته دل عبور کند، خدا از انسان رو بر می‌گرداند. معلوم می‌شود ما با علم به فلسفه احکام الهی و یا با تهذیب نفس از بارهای اضافی، خود را آماده پذیرش دین نکرده‌ایم. باید مراقب باشیم که مباداً مصدق «کَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ»^(۷) قرار بگیریم.

* فهرست تفصیلی کتاب «شهر خدا» را می‌توانید در «پایگاه اطلاع رسانی نشر آثار و دیدگاه‌های حجت الاسلام پناهیان» به نشانی bayanmanavi.ir ببینید.

۱. «سُيْلَ أَيْنَ اللَّهُ؟ فَقَالَ: عِنْدَ الْمُنْكَسِرَةِ قُلُونِهِمْ؛ از رسول خدا^(ص) پرسیده شد که خدا کجاست؟ فرمود: در نزد دل‌های شکسته». الدعوات، ص ۱۲۰، ح ۲۸۲.
۲. رسول خدا^(ص) فرمودند: «الْفُقَرَاءُ أَصْدِقَاءُ اللَّهِ؛ فقراء، دوستان خدا هستند». میزان الحكمه، ج ۱۰، ۱۶۰۰۷.
۳. امام صادق^(ع) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَلْتَقِيتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ شَيْهًا بِالْمُعْتَدِلِ إِلَيْهِمْ فَيَقُولُ وَ عَزِيزٌ وَ جَلَّى مَا أَفْرَتُكُمْ فِي الدُّنْيَا مِنْ هُوَنٌ بِكُمْ عَلَى وَ لَنَرُونَ مَا أَصْنَعَ بِكُمْ الْيَوْمَ؛ خداوند در روز قیامت با نگاهی پوزش خواهانه به فقراء از مؤمنین می‌نگرد، و می‌فرماید: به عزت و جلالم سوگند، که من شما را در دنیا از روی خواری و بی‌اعتنایی به شما فقیر نکردم و امروز خواهید دید که (در جبران آن فقر) با شما چه رفتاری خواهم کرد. الكافی، ج ۲، ص ۲۶۱، باب فضل فقراء المسلمين، ح ۹. همچنین نگاه کنید به: میزان الحكمه، جلد ۱۰، باب ۳۲۳۷ – ۳۲۳۸.
۴. رسول خدا^(ص) فرمود: بهترین کار در نزد خداوند، شاد کردن مؤمنین است؛ «إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَيْهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِذْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ». الكافی، ج ۲، ص ۱۸۹، باب ادخال السرور على المؤمنين، ح ۴.
۵. امام صادق^(ع) فرمود: یقیناً، در نزد خدا، برآورده ساختن حاجت مومن محبوب‌تر است از بیست حجی که در هر کدام از آنها صد هزار (دینار یا درهم هجدہ تخد) خرج شود؛ لقضاء حاجة امریعی مؤمن أَخْبُرُ إِلَيْهِ مِنْ عِشْرِينَ حَجَّةَ كُلُّ حَجَّةٍ يُنْفَقُ فِيهَا صَاحِبُهَا مِائَةَ أَلْفِ. الكافی، ج ۲، ص ۱۹۳، باب قضاء حاجة المؤمن، ح ۴.
۶. ع قال ابوالحسن الرضا^(ع): نَوْمُ الصَّالِحِيَّةَ وَ سَمْنَهُ شَسْبِيَّهُ وَ دُعَاؤُهُ مُسْتَجَابٌ وَ عَمَلُهُ مُضَاعِفٌ وَ قَالَ إِنَّ لِلصَّالِحِيَّةِ عِنْدَ إِفْطَارِهِ دُعْوَةً لَا تُرَدُّ؛ خواب روزه‌دار عبادت و سکوت‌ش تسبيح و دعا‌یش مستجاب و عملش دوچندان است. و نیز فرمود: روزه‌دار به هنگام افطار یک دعای مستجاب دارد. الدعوات، ص ۲۷، باب ۱، فصل ۲، ح ۴۵ و ۴۶.
۷. سوره محمد^(ص)، آیه ۹: «ذَلِكَ يَأْتِهِمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَجْهَطَ أَعْمَالَهُمْ؛ این به دلیل آن است که ایشان آنچه خدا نازل کرده است (قرآن و احکام و دستورات آن) را خوش نداشتند، پس خدا هم اعمالشان را تباہ و بی‌اثر کرد.»

